

بهره گیری از کیفیات مطلوب خانه های تاریخی کرمان در جهت ارائه

الگوی کالبدی مسکن امروز کرمان

امجد بهره دار

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهر سازی، دانشگاه هنر اصفهان

Amjadbahredar74@gmail.com

رامین مدنی

دانشیار دانشکده معماری و شهر سازی دانشگاه هنر اصفهان

r.madani@au.ac.ir

محسن افشاری

استادیار دانشکده معماری و شهر سازی، دانشگاه هنر اصفهان

m.afshary@au.ac.ir

چکیده

گسترش مطالعات در عصر جدید موجب شکل گیری مباحث گسترده ای در مبانی نظری معماری مسکن نظیر بحث های روانشناختی، فرهنگی و پدیدار شناسی شده و به تاکید این نکته می پردازد که خانه فراتر از یک سرپناه و سکونت مفهومی بیش از تامین نیازهای کالبدی و عملکردی دارد. نگاه مفهومی به خانه، معماری مسکن امروز را متوجه کیفیاتی درخانه می کند که این کیفیات در ضمن پاسخگویی به نیازهای کارکردی خود در کالبد و فضای خانه، در پی پاسخگویی به نیازهای برتر ساکنین می باشند.

با ورود به دوران معاصر این کیفیات در معماری مسکن ایران کم رنگ شدند و سرعت و تغییر سریع زمانه اجازه احراز این کیفیات را در بناهای معماری کم کرد؛ این تحقیق برآن است که با بررسی خانه های تاریخی کرمان و با نگاهی کالبدی و پدیدار شناسانه در معماری آنها، به استخراج کیفیات مطلوب در آنها پردازد. این کیفیات در ترکیب متوازی از نور، بافت و صدا، تناسب، تلفیق با محیط طبیعی، آسمان و زمین، در کالبد و فضای معماری خانه تجلی می یابند. در نتیجه این تحقیق مد نظر است که این کیفیات در قالب الگوهایی که در آنها، نحوه ارتباط و ترکیب متوازن عناصر، تشریح می شود، ارائه گردند.

واژگان کلیدی: الگوی کالبدی، مسکن، کیفیات مطلوب، خانه های تاریخی کرمان

بیان مسئله

از نیمه قرن بیستم مطالعات وسیع و جامعی در حوزه های مختلف علمی در ارتباط با مفاهیم و لایه های عمیق تر موضوع مسکن شکل میگیرد که این مباحث در شاخه های علمی نظیر روانشناختی، پدیدار شناختی و فرهنگی این نکته را فهم می کنند که مسکن امروز را فراتر از جنبه های سرپناهی و سکونت را مهم تر از نیازی کالبدی و عملکردی بدانیم (معمار، ۸۵: ۴). هایدگر انسانی که سکونت گزیده است را نشانه ای بارز از وجود او می داند (هایدگر، ۷۷: ۱۳۱). وی سکونت کردن را جمع آوری چهار عنصر آسمان، زمین، انسان و خدایان (جنبه های مادی و معنوی) می داند (پرتوی به نقل از هایدگر، ۷۷: ۱۳۱). به گفته وساس سکونت کردن انسان به معنای این است که خانه ای را صاحب شده که در آن قلب او شکوفا می شود و روحیه اندیشه ورزی در او پدیدار می گردد (شولتز، ۹۴: ۱۶). باشلار نیز در کتاب بوطیقای فضا با نگاهی شاعرانه به پدیدار شناسی سکونت و خانه و جایگاهش در رویا و خیال انسان می پردازد (هاشمی، ۷۵: ۱۱).

نگاه معناشناسانه به خانه، معماری مسکن امروز را متوجه کیفیاتی در خانه می کند که این کیفیات در ضمن پاسخگویی به نیازهای کارکردی خود در کالبد و فضای خانه، در پی پاسخگویی به نیازهای برتر ساکنین می باشند. این کیفیات با ذات و فطرت انسان همراه اند و مربوط به رابطه بین انسان با خود و عالم علوی اند.

این کیفیت ها به جوهره ها و خصوصیات مشترک بین انسان ها (ماهیت الگو) اشاره دارند. اما با ورود به دوران مدرن این کیفیات در معماری مسکن کم رنگ شدند و سرعت و تغییر سریع زمانه اجازه احراز این کیفیات را در بناهای معماری کم کرد؛ به گفته پیتروماتور زمانه ما دوران تغییر و گذار است و امکان حرکات بزرگ را نمی دهد و فقط برخی ارزشهای مشترک اندک باقی مانده اند که بتوان چیزی بنیاد نهاد و با دیگران به اشتراک گذاشت (زومتور، ۹۴: ۲۳). و این اندک ارزشها را میتوان در معماری گذشته جستجو کرد.

اهداف تحقیق

در این تحقیق آنچه به عنوان هدف اصلی دنبال می شود: دستیابی به کیفیاتی مطلوب و سپس ارائه الگوهایی کالبدی - فضایی در مسکن حاضر کرمان به دنبال تداوم کیفیات مطلوب به دست آمده از خانه های تاریخی کرمان. هدف فرعی که در این تحقیق به آن پرداخته می شود: دستیابی به فرایند چگونگی استخراج کیفیات مطلوب (تحلیل کالبدی و پدیدارشناسی) و کاربرد کیفیات مطلوب به دست آمده از معماری خانه های تاریخی کرمان و سپس ارائه کالبدی آنها در ساختار معماری مسکن موجود و غالب شهر کرمان.



دیدگاه نسبت به خانه	اندیشمند
خانه (کاشانه) یکی از ارزنده ترین مکان ها در زندگی ماست.. شش خصیصه کاشانه شامل: پناهگاه، نظم، هویت، همبستگی و معنویت، محافظت از گرما و مناسب بودن جنبه های فیزیکی. ممکن است که مکانی برای سکونت کردن داشت ولی در عین حال بدون کاشانه بود. (گیفورد، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۲).	گیفورد
در خانه، آشنایی با جهان بی واسطه صورت می پذیرد؛ آنجا نیازی به گزینش مسیر و جست و جوی هدف نیست؛ جهان در خانه و حول آن به سادگی ارزانی گردیده؛ می توان گفت، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده و از این رو همچون تکیه گاهی آشنا به پشتیبانی ما می نشیند (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۴۰)	الکساندر
خانه برای صاحبان خود مرکز جهان و برای ساکنان در محله اش ویژه ترین بنا در تحکیم مکان.	مور
آدمی پیش از افکنده شدن در جهان به گهواره خانه نهاده می شود (به نقل از الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۴۰).	گاستون بچلار

ما به دنبال الگو در مسکن هستیم پس بایستی معنا و مفاهیم مسکن را در یابیم تا به مفهوم الگو که وابسته به فهم معانی و اشتراکات ذاتی بشر است نائل شویم.

۲. الگو

معنای عمومی و عامیانه الگو برابر و مترادف کلماتی مثل «نمونه»، «سرمشق» و «مدل» است.

الگو در واقع قواعدی مولد و خلافا نه است که عناصر هر ترکیب و اثر را نظم می بخشند و ترکیب و تکمیل می کند. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۳۵۳). الگوها برداشت هایی خلاصه و تجربیدی هستند که از مفاهیم و ادراکات مشترک میان انسان های ساکن در فضا و محیط کالبدی برگرفته و استخراج شده اند، و به کمک نمادها، نشانه ها، نیازها و هنجارها، در محیط

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

۱. تعاریف مسکن و سکونت

سکونت حاصل تأثیر عوامل متعددی مانند اقلیم، مصالح، فناوری ساخت، موقعیت زمین، عوامل اجتماعی، اقتصادی، نظامی، مذهبی است. سکونت، تعامل انسان با محیط (سه عرصه خصوصی، میانه و عمومی) می باشد. مسکن به عنوان ظرف سکونت و خانه به عنوان جنبه خصوصی سکونت تعریف می شود (مدنی، ۹۱: ۱۵۴). نوشته ها و مطالب اندیشمندان بزرگ و معماران در ارتباط با حوزه های مسکن، سکونت خصوصی که همان خانه باشد پژوهشگر را در توجه به نظرگاه ها و ویژگی های خاص تری از این حوزه ها سوق داده و هر کدام به نوعی با بررسی شیوه ای معنایی یا جامعه شناختی و فرهنگی، به این نکته تأکید ورزیده می شود که مفاهیم مذکور تنها وجه و صورت فیزیکی نبوده و توجهات خاص تر و عمیق تری را می طلبد؛ در نتیجه، ارائه جنبه هایی مختلف از حوزه خانه می تواند یاری بخش مطالعه گران این حوزه با نگاهی جامع تر نسبت به موضوع با توجه به نقش ارتباطی مفهومی با بحث الگو در این پژوهش باشد.

جدول ۱. دیدگاه چند اندیشمند نسبت به مسکن و سکونت (مطالعات نویسندگان)

دیدگاه نسبت به سکونت	اندیشمند
مکان چیزی بیشتر از یک مجموعه منفرد از عناصر (عناصر آسمان، زمین، انسان و خدایان)	هایدگر
نهادی با عملکرد چند بعدی (راپاپورت، آموس، ۹۲: ۱۴ و ۱۵)	راپاپورت
خانه باز تابی از خود (کوپر، ۷۹، ۴۷)	کوپر
سکونت کردن نشانه بارز وجود	شولتز به نقل از هایدگر

متجلی می گردند. این الگوها پیچیدگی ها و در هم تنیدگی های محیط را قابل درک کرده و فضای قابل فهم و ملموس را باعث می شوند (حییبی، ۱۳۸۲: ۳۲). هر الگو مسائلی را که به دفعات و بارها در محیط روی داده را بازگو و تشریح می کند و سپس راه حل های اساسی این مشکل را بیان می کند و می توانید چندین بار این راه حل ها را استفاده کنید بدون آنکه هرگز کارتان شباهتی به کار دیگران داشته باشد. هر الگویی این قابلیت را دارد یک فرضیه باشد مانند سایر فرضیه های علمی (قاسم وند، ۱۳۹۶: ۲۳).

کریستوفر الکساندر بحث الگو را در مقایسه با زبان به میان آورده و با به کارگیری زبان الگو، بنا و اثر هم چون جمله در هنگام سخن گفتن، خود را شکل می دهند (الکساندر، ۱۳۸۱: ۳۵۳). زبان الگو به کسی که آن را استفاده می کند این قدرت را می دهد که بسیار بنای تازه و بی همتا به وجود آورد؛ دقیقاً همان گونه که زبان معمولی به او قدرت می دهد که بی نهایت جمله گوناگون بسازد [به وجود آوردن مصداق های فراوان و گوناگون در عین حفظ مایه ها و جوهره ها] (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

۱.۲ الگوها و شکل گیری آنها در جوامع سنتی و مدرن

وقتی که تغییرات کم و تدریجی بود، همه اشیاء و احجام، شکل تعریف شده و ثابتی داشتند. و در پاسخگویی به مسائل وحدت وجود داشت؛ سنت نیز در کنار این تغییرات معقول و متناسب جاری بود. اما دردورانی که سرعت زیاد تغییرات، موجبات امکانات، گسترده، زیاد و گوناگون را فراهم داشت، طیف های گوناگون غیر مرتبط در همه چیز و همه جا بروز پیدا کرد و در پاسخگویی به مسائل دچار کثرت شدیم (یزدانیان، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

در ارتباط با تشکیل الگوها در این دو دیدگاه کلی، (به عنوان خلاصه و جانمایه) می توان این گونه مطرح نمود که در عملکرد سنتی یا به تعبیری فرایند ناخود آگاه، همان طور که از نام آن مشخص است، این فرآیند به صورت خودانگیخته و به گونه مسیر و حرکتی طبیعی و غیر ارادی رخ می دهد. اما در روبروی و تقابل جویی با آن در رویکرد مدرن یا به تعبیری جریان ارادی خود آگاه، همان طور که از نام آن مشخص است، این فرآیند به شکلی خود آگاهانه و تحت اراده رخ می دهد. یک فرایند را «ناخود آگاه» نام می نهم، هر زمان ساخت فرم در آن به شیوه غیر رسمی، از روش تقلید و اصلاح، یاد داده شود و یک فرایند را «خود آگاه» نام می گذاریم اگر ساخت فرم در آن به شیوه آکادمیک بر طبق قواعد روشنی، آموزش داده شود (الکساندر، ۱۳۸۴: ۴۵).

نکاتی که در ارتباط با الگو حائز اهمیت است:

۱- الگوها را نمی توان به صورت ناگهانی به وجود آورد، بلکه آنها خود به خود به وجود می آیند (خود شکل یابنده اند) در اثر گذشت زمان و فرآیندی پیوسته از دائماً ساییده شدن ها و تکامل یافتن ها (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۳).

۲- الگوها بر گرفته شده از اشتراکات و تفاهم های انسان های یک جامعه با قابلیت ترکیب و نظم بخشی عناصر

۳- الگوها همخوان با فطریات و ذاتیات بشر (دارای وجه معنایی)

۴- مفهوم الگو پذیری نیازمند طی شدن در بستری تاریخی

۲.۲ ارتباط میان موضوع الگو و خلاقیت

مبحث دیگری که در مورد با «الگو» نیاز است که توضیح داده شود این است که، اتصال و جابجایی الگوها در بستر تاریخ و عمل بر مبنای آنها به بدین معنا که تکراری صرف، تقلیدوار،

تحدید کننده و سدی برای مسیر خلاقیت و نوآوری نیستند. حتی در توجه با موضوع و مفهوم «الگو» و با نظر به آن چه که تا کنون نیز به آن اشاره گشت، شاید مفهوم «تداوم» مد نظر است و تکراری که با تکامل و نوآوری همراه است.

۳. معماری خانه از گذشته تا معاصر

برای فهم معماری مسکن معاصر نیازمند شناخت بستر تاریخی آن می باشیم تا بتوانیم با عوامل تغییر و شکل یابی امروزی آن آشنا شویم. و در ارائه نتایج و صحبت های پیرامون آن به دوره ای از تداوم و ثبات در گذشته و تاریخ آن رسید که بتوان از آن در به کار گیری و فهم الگوها و راه حل ها، بهره برد. مطالعه معماری خانه های تاریخی و ویژگی هایی کالبدی در آنها که به واسطه الگوهای رفتاری خانواده در نظام سکونتی آن وجود داشته؛ و این الگوها باعث شکل گیری الگوهای کالبدی فضایی و سازماندهی آنها در خانه می شده است. سپس با رسیدن به دوران معاصر و تغییر شیوه های سکونت و الگوهای رفتاری ساکنین به گسست میان معماری تاریخی و معاصر خانه های تاریخی پی برده میشود.

خانه های تاریخی در خود دارای مفهوم الگو پذیری بوده چراکه اولاً در طول گذشت زمان به صورت تاریخی به وجود آمده اند و از طرفی به اشتراکات میان انسانی توجه داشته اند. مسئله دیگر در خانه های تاریخی توجه به نقش خانواده با رعایت اصولی همچون سلسله مراتب، اهمیت میهمان، حریم، تنوع در عرصه خصوصی می باشد.

وارد شدن اندیشه های بیگانه در معماری وطنی در آغاز به شکل و نمای ظاهری بنا ورود پیدا می کند.

پس از مدتی با عوض شدن شیوه زندگی، مفهوم و مصداق «خانه» و «سکونت»؛ این مفاهیم جای خود را به «واحد مسکونی» و «اسکان» واگذار کردند. عوض شدن شیوه زندگی

تقریباً همه جنبه های آیینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فنی و اداری و بالطبع خوراکی، پوشاکی، مصرفی و آداب سکونت را نیز شامل می شود. در قرن معاصر، نسل های متأخر راه و روش، شیوه و منش دیگری را در حیات خصوصی و اجتماعی خود برگزیدند (حائری، ۱۳۷۴، ب: ۵۸).

جدول ۳. مقایسه خانه های تاریخی نسبت با خانه های معاصر (حائری، ۱۳۷۵: ۲۱)

شماره	مسکن تاریخی نسبت مسکن معاصر
۱	خوانایی فضایی شامل جهت یابی، تمایز و تشخیص فضایی درون و بیرون
۲	امکان بسط فضاها، تبدیل فضاها، انعطاف پذیری فضاها، اتصال فضاها
۳	تنوع فضاها و نقش فضا در تحکیم معاشرت و رویارویی آنها
۴	تلفیق همزمان چندین عملکرد، قابلیت های انفرادی و اجتماعی اتاق ها. د. توجه به نور و تأمین روشنایی، روح بخشیدن به فضا از طریق تجربه های نوری.
۵	توجه به نور و تأمین روشنایی، روح بخشیدن به فضا از طریق تجربه های نوری
۶	مشارکت دیوار، سقف و کف در ایجاد کیفیت های متفاوت فضایی در هر اتاق
۷	تجربه ی زیستن در سطوح مختلف ارتفاعی
۸	بزرگ شدن با فضا، بزرگ شدن در فضا، بزرگ شدن فضا بدون برهم خوردن و در هم شدن نظم فضاها ی کوچک تر

در ادامه مبحث معماری تاریخی بایست گفت که توجه ما در این حوزه به خود انسان است و هدف در این راستا باید شناخت انسان و ویژگیها مرتبط با او در جنبه های مختلف زندگی فردی، جمعی و احساسی او باشد. مطالعه و شناخت گذشته از این درگاه است که عبور می کند و باعث معنا بخشی در خود

می شود. آشنایی که از گذشته در حوزه انسان شناختی مسکن حاصل می گردد منجر به تاکید این مسئله می شود که گذشتگان حل مسائل زندگی انسان را مد نظر داشتند و هدف پرداختن و شناخت انسان و مسائل مرتبط با او بود (آشنایی با گذشته، «هدف» نیست، «وسیله» است). بنابراین زمانی که ما از معماری تاریخی و گذشته منظور سخن به میان می آوریم این سخن ابزاریست که ما را به مطلوبیات اندرون خود، در رابطه با انسان نزدیک می کند و انسان و هرچه را که در ارتباط با او کمک بخش است مورد نظر و بررسی قرار می دهد.

۴. خانه های تاریخی کرمان

آشنایی با ساختار محلات و بافت قدیم مسکونی شهر کرمان و همچنین ساختار و سازماندهی کلی توده های فضا، در مقیاس شهر تا محله و در نهایت واحد خانه، ما را متوجه نظم و ساختار دهی در این کل واحد می کند؛ که این نظم و ترکیب بخشی در سایه اصولی مشخص و منطقی که در مباحث قبل با عنوان الگو مطرح شد حادث می گردد. ریشه این نظم و ترکیب بخشی در عقاید، باورها و اندیشه های انسانی مشترک در میان اقوام و ادیان موجود در شهر کرمان جستجو می شود که هر کدام از این الگوها، تاثیر خود را در ساختارهای کالبدی کلی و جزئی ساختمان های مسکونی در دوران گذشته می گذارند و منجر به کالبد- الگوهایی در ساختار معماری مسکن تاریخی کرمان می شوند.

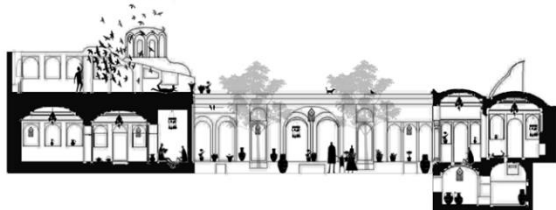
آنچه در شکل گیری فضاهای خانه های تاریخی کرمان تاثیر گذار بوده در زیر خلاصه می شود:

الف- عقاید و باورهایی که در میان مسلمانان محله شهر منجر به رعایت الگوی حریم، در میان محله زرتشتیان زریسف با توجه به اهمیت منبع نور، جهت گیری حیاط تحت تاثیر قرار گرفته و نیز طبق اصولی از کتاب مقدس اوستا تعداد دو تا به

حیاط را در خانه های زرتشتیان می بینیم. و نیز سادگی که در خانه کلیمیان شهر وجود دارد (معماریان و دیگران، ۸۹، ۱- ۲۵).

ب- ارتباطات همسایگی نیز در شکل یابی ساختار فرمی خانه های تاریخی تاثیر گذار بوده.

ج- ملاحظات اقلیمی و مسائل سازه ای از عوامل دیگر در شکل یابی خانه های تاریخی کرمان بوده است.



تصویر ۱. اتفاقات مقطع در خانه امینیان کرمان (مطالعات نویسندگان)

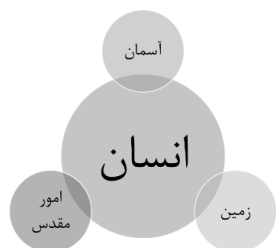
چهارچوب نظری و روش تحقیق

این تحقیق با دیدگاهی ساخت گرا به دنبال آن است که با بررسی خانه های تاریخی کرمان به عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران و دارای عناصر تاریخی و بناهای ارزشمند معماری و شهرسازی، به استخراج کیفیات مطلوب در آنها پرداخته و در تداوم با آن کیفیات، برای مسکن حاضر کرمان ارائه الگو دهد. نحوه گردآوری اطلاعات، از بررسی کالبدی پنجاه خانه تاریخی کرمان و بررسی معنایی معماری چندین خانه تاریخی کرمان صورت می گیرد. طرح تحقیق پدیدارشناسی بوده و رویکرد تحقیق، کیفی می باشد. تحلیل یافته ها بصورت جهت دار انجام گرفته است. قابلیت اعتبار تحقیق نیز در توجه معنایی به داده ها و یافته های تحقیق و در نتیجه امکان تعمیم پذیری آن مورد نظر است.

۱.۱ بررسی کالبدی خانه های تاریخی کرمان

در بخش قبل این موضوع بررسی شد که ساختاری منظم و کلی با توجه به الگوهایی معنایی در خانه های تاریخی کرمان

فیزیکی و کالبدی، خانه این وظیفه را بر عهده می گیرد. این ارتباطات معنایی همان کیفیات مطلوب را ایجاد می کنند که زمانی در خانه های تاریخی صورتی کالبدی گرفته بودند و این بخش در نظر دارد این کیفیات را مطرح و برای آنها ارائه کالبد امروزی دهد (جدول ۵، ردیف های مربوط به ستون گردآوری از تحلیل پدیدارشناسی).



شکل ۲. پدیدار شناسی، ارتباط معنایی میان پدیده انسان با طبیعت (زمین و آسمان) و امور مقدس (مطالعات نویسندگان)

این کیفیات در ترکیب متوازی از نور و سایه، بافت و صدا، آسمان و زمین در کالبد و فضای معماری خانه تجلی می یابند. در نتیجه مد نظر است که این کیفیات در قالب الگوهایی که در آن الگوها، دیاگرام هایی نحوه ارتباط و ترکیب متوازن این عناصر را تشریح می کنند، ارائه شوند.

۲. تحلیل یافته ها

در خانه های تاریخی عناصری وجود داشته که با دارا بودن معانی ای در خود تقویت کننده ارتباطات مفهومی میان پدیده ها در حوزه سکونت خصوصی خانه بوده اند. این عناصر، کالبد معنایی را شکل می دهند که آشکار کننده این ارتباطات مفهومی می باشند.

هنگامی که آب، باد، نور، باران و دیگر عناصر طبیعت در درون معماری تجرید و خلاصه می شوند، معماری مبدل به جایی می شود که در آن مردم و طبیعت با یک حس پایدار کشمکش رو به رو می شوند» (به نقل از کتاب شعر فضا ص ۱۰۸).

وجود داشته و با توجه به وجود هر اندیشه دینی، ویژگی های کالبدی در ساختار خانه های آنها شکل گرفته. در این گونه شناسی که با ارائه یک گزارش از ساختارهای کلی و یکسان در خانه های تاریخی کرمان صورت گرفته است منجر به آشنایی با این ساختار ها شده و محقق را با تحلیل کالبدی مستندات در این گزارش به ارائه نتایج کلی از کیفیات کالبدی مطلوب در آنها کمک میکند.

در این بررسی کالبدی کیفیاتی طرح می شوند که در عرصه های مختلف سکونت (خصوصی، میانه، عمومی) تعریف می شوند. همچنین این کیفیات از لحاظ ویژگی های کالبدی نیز تشریح می شوند با ضافه این که این کیفیات در حوزه معماری با چه مولفه های کالبدی همراه می گردند (جدول ۵، ردیف های مربوط به ستون گردآوری از تحلیل کالبدی).

۲.۱ جستاری پدیدار شناسانه در شهر قدیم کرمان

تا اینجا به این نکات پرداخته شد که مسکن و خانه چیزی بیش از یک صورت کالبدی و فیزیکی بوده و برای خانه شدن بایستی حاوی معانی و مفاهیمی مربوط به انسان باشد. در ادامه با مطرح شدن مفهوم الگو توجه به این موضوع که الگوها تقلید صرف نبوده و برای قابلیت انطباق داده شدن بایستی آنها نیز در خود معانی و جوهره هایی که در میان آدمیان مشترک هستند داشته باشند؛ مورد بحث قرار گرفت.

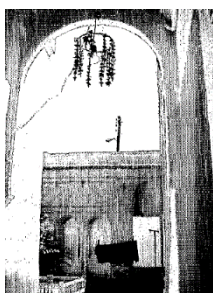
حال با توجه به این تعاریف که همگی اشتراک بر درک معنا و بنیان های بشری دارند برای ارتباط با حوزه معماری خانه، وارد حوزه پدیدار شناسی می گردیم.

پدیدار شناسی نیز به دنبال پیدا کردن ارتباط معنایی و مفهومی میان پدیده هاست. در اینجا به ارتباط میان پدیده انسان با طبیعت (زمین و آسمان) و امور مقدس پرداخته می شود. برای به تصویر کشیدن این ارتباط معنایی و مفهومی، در قالبی

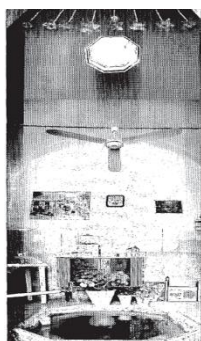
عرصه	عنصر	وجوه کالبدی- معنایی
رخداد	زمین	گودال باغچه
		توجه به مرکز/ فرو رفتن در نطفه و خاک/ پناه گرفتن در آن
		پلکان
		زیرزمین
اندرون	آسمان	باغچه
		سبزی‌نگی
		خاک و فراورده خاکی
		نظیر آجر
		عناصر سقفی
		نورگیر
		بی کرانگی
		کمال
		اوج
		تمرکز بر ساکن (انسان)
		عناصر کالبدی
		باکشیدگی رو به بالا

تصویر ۲. دالان و حیاط خانه اعظمی کرمان

تصویر ۳. حوض مرکزی در خانه اعظمی



تصویر ۲. دالان و حیاط خانه اعظمی کرمان



تصویر ۳. حوض مرکزی در خانه اعظمی

خانه جایی می شود که ساکنین قادرند در آن تعبیر و تفسیر فردی خود را ارائه کنند و در عین حال تنها مخاطب زندگی درون خانه خویش باشند (حقیقی، ۸۷، ۸۵)

از این عرصه به بعد دو عنصر کیفی آسمان و زمین همواره در جزئی فضاهای خانه تکرار می شوند و مارا متوجه فضای پیرامون و پدیده های اطراف می کنند. این همراهی تأکیدی بر انسان و مرکزیت او در این جهان دارد.

وقایع و رخداد های ویژه ای که در قلمرو داخلی ما در خانه به وقوع می پیوندند؛ خانه را مبدل به مرکز فضای وجودی آدمی و ساکنین خود می کند. بنابراین مرکزیت و تمرکز بر انسان همراه است با به حرف آمدن محیط، با تعریف شدن بستر، بوجود آمدن احساس مرکزیت که جهانمندی آدمی را نشان می دهد. به این طرز که انسان جهانی دارد و آن جهان دارای مرکزی است و در خانه جای گرفتن آدمی، در مرکز این جهان واقع می گردد.

آشکارگی جهان

آشکارگی آنجا (هدف) ————— آشکارگی معانی ————— آشکارگی رابطه ها (پدیده)

تفسیر جهان

جدول ۵. کیفیات مطلوب در خانه های تاریخی کرمان با بررسی کالبدی و پدیدار شناسی (مطالعات نویسنده گان)

شماره	روش گردآوری	عرصه سکونت	کیفیت	وجه کالبدی	مؤلفه کالبدی
۱		خصوصی	گشوده/ فراخ	پنجره- در ها	فن ساخت/ نور
۲			کم رنگ (تنوع رنگی کم)	سادگی در به کار گیری تزئینات و رنگ ساده و به دور از پیچیدگی، عدم توجه به غیر و تمرکز به ساکن (انسان نقطه توجه، نه تزئینات)	مصالح و بافت/ رنگ
۳			ساکت	خانه ها بدون الودگی صوتی خارجی آزار دهنده و دارای فضاهای ساکت	صدا/ مصالح/ فن ساخت
۴			آزاد/ انعطاف پذیر	طراحی توده های داخلی پلان با انعطاف و بدور از محدودیت های صرف عملکردی توجه به سلاقی مختلف ساکنین	هندسه / تناسبات و مقیاس / سازمان دهی فضایی و چیدمان داخلی فضا
۵	تحلیل کالبدی خانه های تاریخی کرمان	میانهِ خصوصی	افقی	خانه ها با ارتفاع یک تا دو طبقه، نزدیک به مقیاس انسانی ساکن خانه از زمین و مقیاس آدمی فراتر نرود/ ارتباط انسان با پدیده زمین	
۶			واشد/ باز	محوطه خالی در طراحی خانه توجه به کودک و فضای بازی/ فضای باز	
۷			جَر/ فرورفته	فرو رفتن بنا در زمین/ درگیر شدن توده های فضا در مقطع عمود با زمین ارتباط آدمی با زمین همراه با دلایل اقلیمی و روانشناسی (بکر و آرام)	فن ساخت / فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج
۸		میانهِ خصوصی	زنده/ پرورنده	طراحی باغچه/ فخر و مدین/ مشبک کاری پرورش گیاهان و درخت در خانه، حضور نور و پرندگان (حضور، صدا، لانه سازی)	نور/ رنگ/ صدا
۹			یکپارچه	وحدت در ساختار کل طراحی خانه، محله، شهر انسان جزئی از یک جامعه	فن ساخت

۱۰			زمینه ای	استفاده از مصالح و تکنولوژی مخصوص به زمان و مکان ساخت بنا	مصالح و بافت
	تحلیل پدیدارشناسانه خانه های تاریخی کرمان	عرصه سکونت	حوزه رخداد	کیفیت	وجوه کالبدی و معنایی
۱۱		نیمه عمومی	عقب نشین	ایستا/ ساکن	نقطه آغازین شروع فرایند تفکر به ساکن و انسان
۱۲				مستور	فرو رفته در جداره زمین خانه و دعوت کنندگی به فضایی ساکن و گوشه
۱۳		میانه	آستانه	وسط/ بینابین	ارتباط برون و درون فضای سکونت انسان
۱۴			خالیگاه	خالی/ تهی	نقطه شروع توجه به ساکن (انسان)
۱۵		خصوصی	اندرون	آشکار/ عیان	آشکارگی ارتباط انسان با پدیده زمین و آسمان
۱۶				متصل	رهایی انسان از محدودیت های بیرون با قرار گرفتن در فضای نیمه باز یا مرتبط با فضای نیمه باز در خانه
۱۷				رها کننده	محوطه هایی بدون عملکرد و باز با آزادی های فیزیکی و روانی
۱۸				متمرکز	ساختار فرمی فضاها و داخلی و مبلمان بصورت مرکز گرا
۱۹				تجربیدی	یاد آوری کوچکی از طبیعت پیرامون (گیاه، نور، آسمان) در درون خانه
					هندسه
					هندسه
					فن ساخت / فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج / نور / رنگ/ صدا
					هندسه / سازمان دهی فضایی و چیدمان داخلی فضا
					فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج / نور / رنگ/ صدا

ما به مقصود رسیده ایم. در همه جای خانه با تصویری از ارتباط آن با زمین و آسمان روبرو می شویم. محیط برایمان تفسیر و معنا شده است و ما به شناخت از محیطی که بر ما تمرکز دارد رسیده ایم. در واقع خانه ما را در مرکز جهان قرار داد.

ما به شناخت جایگاه خود در جهان پی برده ایم و به مکان خویش نائل شده ایم. حال موقعیت خود را در جهان هستی به دست آورده ایم. در اینجا آسمان و زمین معنای خصوصی به خود می گیرد، آسمان و زمین متعلق به ساکن می شود. و با قرار گرفتن این عناصر در توده فضاهای خانه به آنها خاصیت خصوصی شدن و توجه به ساکن را می دهند.

۳. نتیجه گیری

گونه مسکن قابل تعمیم در کرمان

از میان گونه های ساختمانی مسکن ویلایی، آپارتمان های کوتاه، میان مرتبه، بلند مرتبه و یا برج ها، خانه های یک تا

دوطبقه ویلایی و آپارتمان های بلند مرتبه به دلیل مسائل اقتصادی و هزینه ها هر کدام مخاطب مخصوص به خود را داشته. اما آنچه درباره میان مرتبه ها صحیح است، اینکه آنها قادر به پاسخگویی و تعمیم پذیری به مخاطبان خود در طول گستره زمانی و محیط های دیگر باشند و چون اینکه در حالت وسط و بینایی قرار می گیرند می توانند تعادل ایجاد نمایند.

و آنچه که در مسیر ساخت و سازهای جدید در حوزه مسکن شهر کرمان در حال وقوع است، ساخت و ساز آپارتمان هایی مسکونی که از سه تا پنج و نهایتاً هشت طبقه ارتفاع داشته بخش اعظم ساختمان سازی مسکونی شهر کرمان را شامل می شوند. در درجه دوم خانه های ویلایی در بخش دیگر ساخت و سازهای مسکونی جای می گیرند، و این نتایج بر این نکته موکد است که آپارتمانهای میان مرتبه امکان تطبیق و تعمیم بیشتری در شرایط کنونی کرمان دارند.



شکل ۳. انتخاب گونه مسکن غالب کرمان با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساخت و ساز مسکن در شهر کرمان (مطالعات نویسندگان)

از این رو برای گونه مسکن آپارتمانی (میان مرتبه) با توجه به عرصه های مختلف سکونتی تعریف می شوند و به همراه کیفیات ارائه شده در جدول ۵، الگوهای کالبدی که در مولفه کالبدی همراه با آنها در محیط ارائه می گردند.

جدول ۶. الگوی کالبدی پیشنهادی برای آپارتمان های میان مرتبه امروز کرمان در تداوم با کیفیات مطلوب (مطالعات نویسندگان)

الگوی کالبد پیشنهادی	عرصه تقویت شده	کیفیات حاصل	مولفه های کالبدی
فضاهای نیمه باز در طبقات	نیمه عمومی	مستور (از دید نامطلوب خارجی)	
	میانه	خالی (فضای تهی برای تعاملات و مشاعات و دسترسی ها)	نور و رنگ / تکنیک ساخت
	خصوصی	متصل (ارتباط آدمی با انسان و آسمان)	
تراس های مشترک همسایگی	میانه	متصل (ارتباط با آسمان)	نور، رنگ و صدا / تکنیک ساخت
		عیان (ارتباط با آدمی و محیط بیرونی)	مصلح و بافت
		گشوده (ارتباط با محیط بیرون)	
تراس های خصوصی	خصوصی	رها کننده (محیط برای آزادی فکر و جسم در محیطی مطلوب)	نور / رنگ / صدا
		باز (ایجاد محیطی باز در عرصه خصوصی)	مصلح و بافت
		گشوده (گشودگی رو به محیط طبیعی بیرون و آسمان)	
گلخانه	خصوصی	تجربیدی (طبیعتی کوچک در خانه)	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی بیرون و خارج
		پرورنده / زنده (کاشت گیاه و حضور پرنده)	نور / رنگ / صدا
بام	میانه	گشوده	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی با عرصه میانه
		باز	
		زنده	
طراحی داخلی خانه	خصوصی	گشوده	
		آزاد / منعطف در چیدمان و طراحی داخلی	سازمان دهی فضایی و چیدمان داخلی فضا
		کم رنگ	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج
		رها کننده (سکوت در خانه)	نور / رنگ / صدا / مصلح
		متمرکز	
		پرورنده (پرورش گل و گیاه)	

منابع

- معماریان، غلام حسین، طغرلجردی سید محمد حسین، کمالی پور

حسام، ۱۳۸۹، **تأثیر فرهنگ دینی بر شکل گیری خانه:**

مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و

یهودیان کرمان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی دوره سوم، شماره

۲، تابستان ۸۹

- مدنی رامین، شفایی مینو، ۱۳۹۱، **راهکارهای طراحی عرصه**

میان به با رویکرد جبران سازی مسکن حداقل در ایران،

معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

- هایدگر، مارتین و دیگران، ۱۳۷۷، **بنا کردن، سکونت کردن،**

فکر کردن در فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران،

نشر مرکز

- نوربری شولتز، کریستیان، ۱۳۷۸، **مفهوم سکونت، به سوی**

معماری تمثیلی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ سوم

- هاشمی آذروند، فرید، ۱۳۸۹، **در جستجوی الگوی خانه**

ایرانی (نمونه موردی تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد در

رشته معماری، دانشگاه هنر اصفهان

- هاشمی، سید محمد علی، ۱۳۷۵، **گا ستون به شلار و معماری**

خانه ی خیال، فصلنامه آبادی، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان

۱۳۷۵

- یزدانپناه، پونه، ۱۳۷۸، **طراحی مسکن نمونه در محله تل**

یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته معماری، دانشگاه هنر

اصفهان، دانشکده معماری، زمستان ۱۳۷۸

- الکساندر، کریستوفر، ۱۳۸۱، **معماری و راز جاودانگی، راه**

بی زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، مرکز

چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول

- الکساندر، کریستوفر، ۱۳۸۴، **یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم؛**

مترجم سعید زرین مهر، تهران: روزنه

- حائری، محمدرضا، ۱۳۷۴، **ب، واحد م سکونی خانه نیست،**

فصلنامه معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره ۳۱ و ۳۲، آذر و

دی، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.

- حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۲، **چگونگی الگو پذیری و تجدید**

سازمان استخوان بندی محله، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳،

بهار ۱۳۸۲.

- حقیقی فرزانه، ۱۳۸۷، **در جستجوی معنای خانه با رویکرد**

پدیدار شناسی در شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد،

دانشگاه شهید بهشتی

- راپاپورت آموس، ۱۳۹۲، **انسان شناسی مسکن،** ترجمه خسرو

افضلیان، حرفه هنرمند، تهران

- زومتور، پیتر، (۱۳۹۴) **اتمسفر.** ترجمه علی اکبری، تهران:

انتشارات پرهام نقش

- کوپر مارکوس، کالر، ۱۳۸۲، **خانه: نماد خویشتن،** ترجمه احمد

علی قلی، فصلنامه خیال، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۲

- گیفورد، رابرت، ۱۳۷۸، **روان شناسی محیط های سکونی،**

فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره دوم و سوم، پاییز و

زمستان ۱۳۷۸

- معمار، مازیار، ۱۳۸۵، **خانه ایرانی، طراحی الگوی خانه در**

مناطق مرکزی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته

معماری، دانشگاه هنر اصفهان، شهریور ۱۳۸۵

Abstract

The expansion of studies in the new era has led to the formation of broad discussions on the theoretical foundations of housing architecture such as psychological, cultural and phenomenological discussions and emphasizes that the house has more than a shelter and conceptual housing more than meeting physical and functional needs. . Conceptual view of the house, today's housing architecture pays attention to qualities in the house that these qualities, while meeting their functional needs in the body and space of the house, seek to meet the superior needs of residents.

With the advent of the contemporary era, these qualities in the architecture of Iranian housing faded and the speed and rapid change of time reduced the permission to achieve these qualities in architectural buildings; This research intends to study the historical houses of Kerman and with a physical and phenomenological look at their architecture, to extract the desired qualities in them. These qualities in a balanced combination of light, texture and sound, proportions, integration with the natural environment, the sky And the earth is manifested in the body and the architectural space of the house. As a result of this research, it is intended that these qualities be presented in the form of models that describe how the balanced relationship and composition of the elements are described.

Keywords: physical model, housing, desirable qualities, historical houses of Kerman